

## صفات اخلاقی حیوانات از دیدگاه قرآن و روایات

بابک هادیان حیدری\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۲

محمد شریفی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۱

### چکیده

انسان از همان زمانی که بر این گیتی پای نهاده تا همین زمانی کنونی سعی در شناخت و تسلط بر حیوانات داشته است؛ اما این شناخت از حیوانات زمانی دقیق‌تر می‌شود که بتوان به شناختی از صفات اخلاقی آن‌ها نیز دست یافت زیرا انسان با دانستن این صفات می‌تواند حیوانات را در اختیار بگیرد تا از آنان به درستی بهره ببرد. اخلاق حیوانات در زندگی انسان بسیار تأثیرگذار است زیرا حیوانات با انسان‌ها در محیطی مشترک زندگی می‌کنند و این شناخت علاوه بر بهره‌مندی هرچه بیش‌تر از حیوانات می‌شود؛ بلکه موجبات زندگی مسالمت‌آمیز با حیوانات می‌شود. به همین جهت و به خاطر اهمیت این موضوع، نگارندگان این مقاله بر آن شده‌اند که با روش توصیفی-تحلیلی با استناد به قرآن و روایات این موضوع به صورت مستدل بررسی کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هر یک از حیوانات خصوصیات اخلاقی منحصر به فرد دارند که در شناخت حیوانات و البته در بهره‌مندی از منافع این حیوانات بسیار مؤثر است به طوری که نه او آسیبی برساند و نه اینکه موجب آزار او شود.

**کلیدواژگان:** حیوانات، صفات اخلاقی، قرآن، روایات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

applehdsahab@gmail.com

m.sharifi@umz.ac.ir

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

نویسنده مسئول: بابک هادیان حیدری

## مقدمه

انسان از دیرباز تا به امروز سعی در شناخت حیوانات داشته و در این مسیر کوشش‌های بسیاری را نیز انجام داده است؛ به هر روی دانستن صفات اخلاقی حیوانات جز با بازشناسی آنان انجام‌پذیر نیست؛ اما چرایی اصلی ضرورت آشنایی انسان از این‌گونه صفات حیوانات آن است که هم از گوشت، پوست، شیر، توانایی بدنی و ... حیوانات بهره‌برد که استفاده از این محصولات، باعث انتقال صفات آن‌ها به انسان می‌شود و هم از جهت دیگر، بتوانند یک زندگی مسالمت‌آمیزی را در کنار حیوانات داشته باشد. حیوانات آنقدر اهمیت دارند که حتی خداوند متعال اسامی برخی از سوره‌ها مانند عنکبوت، نمل (مورچه)، نحل (زنبور عسل) را به اسم حیوانات نامگذاری کرده‌اند.

اسامی حیواناتی که در قرآن آمده عبارت‌اند از بقره، خیل، کلب، هدهد، فیل، نمل، نحل، عنکبوت، حمار، ابل، خنزیر، ذئب، بعوضه، غراب، فراش، فرده، سلوی، ذباب. این اسامی به طور کلی در قرآن ۵۲ بار تکرار شده‌اند؛ که از این میان، تنها به صفات اخلاقی پنج حیوان اشاره شده است که عبارت‌اند از الف. سگ در آیه ۱۷۶ سوره اعراف؛ ب. مورچه در آیه ۱۸ سوره نمل؛ ج. شتر در آیه ۱۷ سوره غاشیه؛ د. خوک در آیه ۱۷۳ سوره بقره؛ هـ. الاغ در آیه ۵ سوره جمعه.

در این تحقیق سعی شده با تکیه بر قرآن و روایات به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

الف. مهم‌ترین صفات اخلاقی حیوانات در قرآن و روایات چیست؟

ب. این صفات چه تأثیری در انسان دارد؟

## پیشینه تحقیق

با توجه به ضرورت و اهمیت مباحث اخلاقی حیوانات در جهت رسیدن به یک زندگی متعالی، محققان در زمینه اخلاقی حیوانات کارهای چشمگیری انجام داده‌اند از جمله «عرفان اسلامی و شأن اخلاقی حیوانات»؛ اثر مجتبی زروانی و محسن شعبانی، مجله پژوهشنامه عرفان، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۷ (علمی- پژوهشی)؛ «تفسیری جدید از مثال عنکبوت در قرآن»؛ اثر محمدعلی رضایی اصفهانی، مجله گلستان قرآن، نیمه اول مرداد ۱۳۸۳، شماره ۱۷۹؛ «درس‌هایی از نهج‌البلاغه (آفرینش مورچه)»؛ اثر حسن علی منتظری، مجله پاسدار اسلام، آبان ۱۳۶۳، شماره ۳۵؛ «سگ در ادیان جهان»؛ اثر سید محمدعلی داعی الاسلام، مجله آیین اسلام، ۸ خرداد ۱۳۶۲، شماره ۱۶۲؛ «نماد عنکبوت و زنبور عسل در قرآن و مثنوی»؛ اثر مهدی ممتحن و فاطمه قربانی، مجله مطالعات قرآنی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱۷؛ اما این آثار تنها بخشی از این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ زیرا اولاً چندین موضوع را در یک مقاله گنجانده است و دیگر اینکه، مقالاتی همچون «عرفان اسلامی و شأن اخلاقی حیوانات» این موضوع را تنها از منظر مثنوی و زنبور عسل در قرآن و مثنوی؛ این موضوع را تنها از منظر قرآن آن هم با نگاهی بخشی بررسی کرده است، و دیگر اینکه پیرامون موضوع «صفات اخلاقی حیوانات از دیدگاه

قرآن و روایات» مقاله در دسترس نیست؛ اما با همه‌ی این تفصیلات، مقاله حاضر سعی کرده صفات اخلاقی حیوانات و نیز تأثیری که این صفات بر انسان‌ها می‌گذارد را از منظر قرآن و روایات بررسی کند.

### حیوانات و صفات آن‌ها

حیوانات صفات اخلاقی متفاوتی دارند که گاه این صفات خوب هستند و گاه بد. دلیل اصلی بیان این صفات در وهله شناخت حیوانات است و در وهله دوم ایجاد ارتباط با حیوانات برای زندگی مسالمت‌آمیز در کنار آنان است.

### خروس

از جمله حیواناتی که در روایات به صفات اخلاقی آنان اشاره شده خروس است که معادل عربی آن «دیک» می‌باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۰۳). البته در برخی روایات به صفات خروس سفید اشاره شده است مانند این روایت از امام رضا (علیه السلام) که در آن درباره صفات اخلاقی خروس سفید می‌فرمایند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ قَالَ: قَالَ الرَّضَا (عليه السلام): فِي الدَّيْكَ الْأَبْيَضِ خَمْسُ خِصَالٍ مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ (عليه السلام) مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَالْغَيْرَةِ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۹۸/۱، ح ۷۰، فی الدیک الابيض خمس خصال؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۷۷/۱، ح ۱۵، باب ۲۸ فیما جاء عن الإمام علی بن موسی (علیه السلام) من الأخبار المتفرقة؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۲۰، ح ۲۵۵۴۱، باب ۱۴۰ اسْتِخْبَابِ كَثْرَةِ الزَّوْجَاتِ وَالْمَنْكُوحَاتِ وَكَثْرَةِ إِتْيَانِهِنَّ بِغَيْرِ إِفْرَاطٍ؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۶۲، ح ۱، باب ۲ فضل اتخاذ الدیک وأنواعها واتخاذ الدجاج فی البيت وأحكامها)؛ محمد بن عیسی یقطینی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: در خروس سفید پنج خصلت از خصلت‌های پیامبران (علیه السلام) است: آگاهی او از اوقات نماز و غیرت و سخاوت و شجاعت و بسیار جماع کردن». همچنین خروس سفید چنان اهمیت دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دوست خود خطاب کرده و فرموده‌اند: «عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): الدَّيْكَ الْأَبْيَضُ صَدِيقِي وَعَدُوُّهُ عَدُوُّ اللَّهِ يَخْرُسُ صَاحِبَهُ (حلبی، ۱۴۰۰: ۴۳۳/۳؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۴۰۳/۵، الطیور وما أوتیت من أعاجیب الإلهام فی حُضْنِهَا وَرِزْقِهَا وَرَفْرَفَتِهَا عَلٰی فِرَاحِهَا وَتَدْبِيرِ أَمْرِهَا)؛ از انس نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: خروس سفید دوست من است و دشمن آن دشمن خداست».

در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دشنام به خروس را نهی کرده و می‌فرمایند: «لَا تَسُبُّوا الدَّيْكَ فَإِنَّهُ يَدْعُو إِلَى الصَّلَاةِ (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۳/۳۶، ح ۲۱۶۷۹، تَتِمَّةُ مُسْنَدِ الْأَنْصَارِ، حَدِيثُ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۲۳۴/۶، ح ۱۰۷۸۲، مَا يَقُولُ إِذَا سَمِعَ صِيَاخَ الدَّيْكَ)؛ خروس را دشنام مگوئید که شما را به نماز می‌خواند». با توجه به روایت فوق، برای خروس، پنج خصلت آگاهی از اوقات نماز، غیرت، سخاوت، شجاعت و بسیار جماع کردن ذکر شده است. آگاهی

به اوقات نماز، خصلت اول خروس است. در گذشته به مانند امروز ساعت‌هایی نبود که دارای زنگ باشند پس این خروس بود که اوقات نماز را با آواز خویش معین می‌کرد به همین خاطر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) او را دوست خود می‌نامد و دشمن او دشمن خدا معرفی می‌کند و دشنام دادن به خروس را نهی می‌کند.

### کبوتر

یکی دیگر از حیواناتی که درباره صفات اخلاقی او سخن به میان رفته، کبوتر است که معادل عربی آن «حمامة» می‌باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۴۳). در زمان پیامبران گذشته نیز کبوتر وجود داشته‌اند و در خانه پیامبران گذشته لانه داشته و زندگی می‌کردند که چرایی‌اش آن است که کبوتران به جهت وفاداری که دارند صاحبخانه را از حیوانات موذی آگاه می‌کند. از همین رو امام کاظم (علیه‌السلام) در روایتی می‌فرماید: «رَوَى الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه‌السلام) فِي بَيْتِهِ زَوْجَ حَمَامٍ أَمَّا الذَّكْرُ فَأَخْضَرُ وَأَمَّا الْأُنثَى فَسُودَاءُ وَرَأَيْتُهُ (عليه‌السلام) يَفْتُّ لَهُمَا الْخُبْزَ وَيَقُولُ يَتَحَرَّكَانِ مِنَ اللَّيْلِ فَيُؤْنَسَانِ وَمَا مِنْ أَنْتِفَاضَةٍ يَنْتَفِضَانِهَا مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا اتَّقَى مَنْ دَخَلَ الْبَيْتَ مِنْ غَرَمَةِ الْأَرْضِ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۳۰؛ الفصل السابع في المسكن وما يجوز منه وما لا يجوز وما يتعلق به؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۶۰، ح ۲۷، فی خلیفة علی (علیه‌السلام) فی الجن؛ همان: ۱۶۳/۷۳، ح ۱، فی الهمر والحمام والديك)؛ جعفری روایت می‌کند که: در خانه حضرت موسی بن جعفر (ع) یک جفت کبوتر دیدم که نر آن‌ها سبز و ماده آن‌ها سیاه بود و حضرت برای آن‌ها نان خرد می‌کرد و می‌فرمود: که این کبوترها از شب تحرک دارند و انس می‌گیرند و هیچ‌گاه در شب بال به هم نمی‌زنند، جز آنکه هر کس داخل خانه باشد از جانوران موذی در امان خواهد بود».

یکی از صفات اخلاقی برجسته کبوتران وفاداری آنان نسبت به کسی است که به او محبت می‌کند. از همین رو در برابر کسی که به او و خانواده‌اش اجازه ساختن سرپناهی را می‌دهد وفادار است. مؤید سخن همان گفتار بالا است که در آن می‌خوانیم کبوتر در برابر خدمت صاحب‌خانه به او وفادار است و زمانی که صاحبخانه و فرزندانش هوشیار نیستند آنان را از وجود حیوانات موذی آگاه می‌کند و چه شگفت است که خداوند این موجود را با ابعاد کوچک اما وفادار را اینچنین نیکو آفریده است.

### شتر

شتر که معادل عربی آن «إبل» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۴۴/۱) چنان جثه‌ای بزرگ دارد که در نگاه اول کنترل آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد اما یکی از صفات اخلاقی شتر، فرمانبری و مطیع بودن است؛ زیرا با آن بزرگ است اما بسیار مطیع است که شتر با تمام قدرتی که دارد از رام‌ترین و فرمانبرترین حیوانات است به طوری که یک کودک خردسال می‌تواند مهار شتر را در دست گرفته و هر جا که خاطرخواه او است ببرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۴/۲۰، ذیل آیه ۱۷ سوره غاشیه؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸).

۹۷/۱۴، ذیل همان آیه؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۹/۲۶، ذیل همان آیه). از همین رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی بر این صفت اخلاقی شتر تأکید کرده و می‌فرماید: «کن لربک کالجمل الأنف» (تستری، ۱۴۲۳: ۱۹۲)؛ مانند شتر در برابر پروردگارت مطیع باش».

یکی دیگر از صفات اخلاقی شتر قانع و نیرومند بودن او است. شتر نیرومندترین و با مقاومت‌ترین حیوانات اهلی است، بار زیادی با خود می‌برد و عجب اینکه به هنگامی که خوابیده است بار سنگینی را بر او حمل می‌کنند و او با یک حرکت برمی‌خیزد و روی پا می‌ایستد، در حالی که چهارپایان دیگر قدرت بر چنین کاری ندارند؛ و از نظر تغذیه بسیار کم‌خرج است و هرگونه خار و خاشاکی را می‌خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۸/۲۶).

پس شتر نیرومند است زیرا با تمام سختی‌ها و تشنگی زیاد بار را تحمل می‌کند و کم‌خرج و قانع است و با خار و خاشاک بیابان قناعت می‌کند. از این رو است که یکی از صفات مشهور این حیوان «سفن الصحراء؛ کشتی صحرا» است (فیومی، ۱۴۲۶: ۳۹). یکی از مواهب این حیوان آن است که در زمستان آب طلب نمی‌کند در حالی که یک ماه متوالی را ایستاده با غذایی مرطوب یا دو ماه خشک طی می‌کند (همان: ۴۰).

خوردن شیر شتر بر انسان تأثیر می‌گذارد و اگر زن حامله‌ای آن را بخورد عقل کودک را زیاد می‌کند. به همین خاطر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر این موضوع تأکید کرده می‌فرماید: «اسْقُوا نِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلَ اللَّالِبَانَ فَإِنَّهَا تَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۵۹، باب النوادر؛ مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۴؛ النمازی الشاهرودی، ۱۴۱۸: ۴۲۴/۲، اقل الحمل واكثره)؛ به زنان حامله شیر شتر بخورانید به خاطر آنکه خوردن شیر شتر سبب زیاد شدن عقل کودکان می‌شود.

و در روایتی دیگر آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شیر شتر عامل درمان بیماری ذرب دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ فِي أَبْوَالِ الْإِبِلِ وَالْبَانِيهَا شِفَاءً لِلذَّرْبَةِ بَطُونُهُمْ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۱۶/۴، ح ۲۶۷۸، تتمه مسند عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب)؛ در ادرار و شیر شتر، درمانی برای مبتلایان به ذرب است».

پس شیر شتر در انسان تأثیر بسیاری دارد مانند آنکه حتی زن حامله با خوردن شیر سبب زیاد عقل کودک در شکم خود می‌شود و بالاتر از آن این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شیر شتر عامل درمان بیماری ذرب دانسته است.

## اسب

معادل عربی اسب «خیل» است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۶۶، باب فی اصناف الخیول). نام این حیوان در قرآن ۵ مورد آمده است، اما هیچ کدام بر صفات اخلاقی این حیوان اشاره نمی‌کند. تنها در روایات است که به صفات اخلاقی این حیوان اشاره شده است. این حیوان در روایت به نجابت شناخته می‌شود؛ که البته خیر فراوانی در پیشانی اسب نهفته است، از همین رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خیر

و خوبی را از صفات اخلاقی اسب تا روز قیامت دانسته و می‌فرماید: «الْخَيْلُ مَعْفُودٌ بِتَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْمُنْفِقُ عَلَيْهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَالْبَاسِطِ يَدَهُ بِالصَّدَقَةِ لَا يَقْبِضُهَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۲، ح ۲۴۵۹، بَابُ الْخَيْلِ وَارْتِبَاطِهَا وَأَوَّلُ مَنْ رَكِبَهَا؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۸۲۶/۲۰، ح ۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۰/۱۱، ح ۱۵۲۸۵، بَابُ اسْتِحْبَابِ التَّوَسُّعَةِ فِي الْإِنْفَاقِ عَلَى الْخَيْلِ؛ نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۸، ح ۹۳۷۹، بَابُ اسْتِحْبَابِ اسْتِسْمَانِ الدَّابَّةِ؛ خیر و خوبی در پیشانی اسب تا قیامت قرار داده شده و آن کس که در راه جهاد اسبی انفاق کند چنان است که همیشه دستش به صدقه دادن گشاده است و هرگز بسته نشود».

همچنین در روایتی از امام رضا (علیه السلام) پیرامون نجابت اسب نقل شده که فرموده‌اند: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمَرْوَةِ فَرَاهَةُ الدَّابَّةِ وَحُسْنُ وَجْهِ الْمَمْلُوكِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷۹/۶، ح ۹، باب النوادر؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۸۰۳/۲۰، ح ۲۰۵۳۵)؛ نجابت اسب نشانه‌ای از جوانمردی صاحبش است.

همچنین برای این حیوان صفت اخلاقی دیگری را نیز برشمرده‌اند و آن وفاداری است که پیرامون صفت آمده: «حَمَلَ عَلَى الْأَعْوَرِ السَّلْمِيِّ وَعَمَرُو بِنِ الْحَجَّاجِ الزُّبَيْدِيِّ وَكَانَا فِي أَرْبَعَةِ آلَافِ رَجُلٍ عَلَى الشَّرِيعَةِ وَأَقْحَمَ الْفَرَسَ عَلَى الْفُرَاتِ فَلَمَّا أُولِعَ الْفَرَسُ بِرَأْسِهِ لِيَشْرَبَ قَالَ (عليه السلام) أَنْتَ عَطْشَانٌ وَأَنَا عَطْشَانٌ وَاللَّهِ لَا أَذُوقُ الْمَاءَ حَتَّى تَشْرَبَ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۵۸/۴، فصل فی آیاتهِ بعد وفاتهِ؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۴۵، بقية الباب ۳۷ سائر ما جرى عليه بعد بيعة الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه)؛ هنگامی که حضرت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در کربلا همراه اسب وفادار خود کنار نهر فرات رسید. آن حضرت (علیه السلام) در حالی که سر اسب را به طرف آب نهر پایین گرفته بود. خطاب به اسب فرمودند: تو تشنه هستی و من تشنه هستم. به خدا سوگند تا تو از این آب ننوشی من نیز از آن نخواهم نوشید؛ اما اسب با شنیدن سخن حضرت (علیه السلام) سر خود را از روی نهر بالا آورد از خوردن آب خودداری نمود».

این حدیث نشان از وفاداری بالای اسب این حیوان نجیب دارد که با آنکه تشنه بود به خاطر امام حسین (علیه السلام) آب ننوشیده بودند، از آب ننوشید.

## مورچه

مورچه که معادل عربی آن «نمل» است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۳/۷)، یکی دیگر از حیواناتی است که نامش در قرآن آمده و حتی سوره بیست و هفتم قرآن به نام او است. از همین رو صفات اخلاقی برای این حیوان ترسیم شده است. این صفات در آیه ۱۸ سوره نمل بازگو شده است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا تَوَاعَىٰ وَاذِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (نمل/۱۸)

«پس حرکت کردند[ تا به وادی مورچگان درآمدند. مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌هایتان درآیید تا سلیمان و سپاهیان‌ش ناآگاهانه شما را پایمال نکنند»

در این آیه به یکی از صفات اخلاقی مورچگان اشاره دارد و آن فرمان‌برداری آنان است و همچنین آنان یک رهبر دارند که از او تبعیت می‌کنند و استوارکننده این سخن این بخش آیه است که در آن آمده است «مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌هایتان درآیید» که این گفتار نشان از فرمان‌برداری آنان می‌دهد و هم آنکه آن کارهایشان به گروهی تحت فرمان یک رهبر انجام می‌دهند. در روایات نیز به صفات اخلاقی مورچه اشاره شده است مانند این روایت از مفضل که او از امام صادق (علیه‌السلام) درباره شگفتی مورچه اینگونه نقل می‌کند:

«مفضل می‌گوید: عرض کردم: آقای من! درباره زندگی چهارپایان نکاتی فرمودید که هر که اهل و سزاوار است درس عبرت می‌گیرد، حال درباره مورچه ریز و درشت و پرنده بفرمایید. حضرت - علیه‌السلام - فرمود: در صورت کوچک مورچه بنگر آیا در آنچه به مصلحت اوست و به آن نیازمند است کمبودی مشاهده می‌کنی؟ جز حکمت آفرینشگر در ریز و درشت آفرینش، این حکمت و تقدیر حساب‌شده در آفرینش این حیوان ریز از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ در زندگی «مور» و همکاری انبوه آن‌ها در گردآوری روزی و آماده کردن آن نیک بنگر. بنگر هنگامی که دسته‌ای از آن‌ها دانه‌ها را به محل مرتفعی می‌برند و ذخیره می‌سازند انسان به یاد تلاش مردم در انتقال غذا به خانه می‌افتد، بلکه مور در این کار بیش از انسان کمر همت می‌بندد و جدّ و تلاش دارد. نمی‌بینی همانند انسان‌ها نیز در حمل و انتقال دانه و غذا به لانه، یکدیگر را یاری می‌دهند؟ آن‌ها دانه را به دو نیم می‌کنند تا دانه در لانه سبز نشود و کارشان را خراب نکنند، اگر آبی به دانه‌ها رسید، آن‌ها را بیرون می‌آورند و خشک می‌گردانند. نیز موران جز در جاهای بالا و بلند مسکن و لانه نمی‌گزینند تا مبادا آب در آن ریزد و غرقشان سازد. این‌ها همه نه از سر اندیشه و عقل و شعور که از غریزه و سرشتی است که خدای جلّ و علا به خاطر مصلحت در آن‌ها نهفته است» (ابن عمر، بی تا: ۱۱۱-۱۱۲).

حضرت علی (علیه‌السلام) در روایتی صفات اخلاقی مورچه چنین برمی‌شمارد و می‌فرماید:

«آیا به کوچک چیزی که آفریده، نمی‌نگرند که چگونه آفرینشش را استوار ساخته و ترکیبش را مستحکم کرده و برای او گوش و چشم نهاده و بدو استخوان و پوست داده است؟ به مورچه بنگرید که با همه کوچکی جثه و ظرافت اندام که به چشم نمی‌آید و به اندیشه درک نمی‌گردد چگونه بر زمین می‌جنبد و به روزی‌اش دست می‌یابد، دانه را به لانه‌اش می‌برد و آن را در قرارگاه خود فراهم می‌آورد. در روزهای گرم، برای سرمایش جمع می‌کند و هنگام ورود او اقامت در لانه خویش، برای زمان بازگشتن، ذخیره می‌کند. روزی‌اش ضمانت گردیده و در خور نیازش، روزی داده شده است. خدای

نعمت‌بخش، او را فراموش نمی‌کند و پروردگار پاداش‌دهنده، او را از روزی محروم نمی‌سازد، گرچه در دل صخره خشک و سنگ سخت باشد؛ و اگر در بالا و پایین گذرگاه خوراکش و آنچه درون اوست از سر استخوان‌های پهلوی و شکمش و چشم و گوشی که در سرش قرار دارند، ببندیشی، از آفرینش او شگفت‌زده می‌شوی و از توصیف آن، به رنج و سختی می‌افتی. بلندمرتبه است آن که او را بر پاهایش استوار کرد و بر استوانه‌های پیکرش بساخت! در آفرینش او، هیچ کس شریک خدا نبود و هیچ توانمندی وی را در آفرینش آن، یاری نکرد. اگر اندیشه‌ات را در راه‌های گوناگون به کار گیری تا به نهایت آن برسی، برهان جز به این راهنمایی‌ات نخواهد کرد که آفریننده مورچه، همان آفریننده خرما بُن [با همه بلندی و ستبری‌اش] است، به خاطر دقتی که جداجا در [آفرینش] هر چیز به کار رفته است و تفاوت‌های دقیقی که در خلقت هر جاندار با جاندار دیگر نهفته است و اینکه [برای خداوند] در کار آفرینش، میان اجسام سخت و نرم و سنگین و سبک و قوی و ضعیف، هیچ فرقی نیست» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۵۶/۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۶۱، ح ۱، باب ۱ عموم احوال الحیوان واصنافها).

با توجه به آیه قرآن متوجه می‌شویم که مورچه‌ها از یک صفت خوب اخلاقی که نیاز هر جامعه است که آن فرمانبری از یک رهبر است برخوردارند و گرنه در آن داستان که در آیه بیان شد احتمال داشت تمامی مورچه‌ها نابود شوند اما مورچه‌ها به دلیل فرمانبری از رهبر خویش نجات پیدا کردند. البته در روایت مفصل به سه صفت اخلاقی مهم دیگر در مورچه اشاره شد. مورچه‌ها برای تأمین آذوقه خود تلاش و کوشش بسیاری می‌کنند با آنکه جثه کوچکی دارند اما پشتکار بالایی دارند. در این راه به همدیگر در حمل دانه نیز کمک می‌کنند. البته هوش بالا از جمله خصوصیت برجسته این حیوان است؛ زیرا می‌داند وقتی آب بیاید خانه در سطح پایین باشد خراب می‌شود به همین خاطر باهوش بالایی که دارد خانه‌های خویش را بر تپه‌ای بلند بنا می‌کنند؛ و حتی لقمان در روایتی به زیرکی مورچه اشاره می‌کند بدین جهت که تابستان جمع می‌کند برای زمستان خویش، از این رو به فرزند خویش می‌گوید: «یا بُنِّی، لا تَکُونَنَّ الذَّرَّةُ أَكْبَسَ مِنْكَ تَجَمَّعَ فِی صِیْفِهَا لِشِتَائِهَا» (زمخشری، ۱۴۱۲: ۴۴۵/۵، باب البعوض والهجم والذبان والفراس والزنانیر والجراد والجناب وما أشبه ذلك)؛ ای پسر! مبادا مورچه از تو زیرک‌تر باشد که در تابستانش، برای زمستانش جمع می‌کند.

### پرستو

پرستو که معادل عربی آن «الْخَطَّاف» و جمع آن «خَطَّاطِیْف» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۱/۱) از حیواناتی است که با صفت نیکوی بی‌آزاری از او یاد شده است. از این رو، امام سجاد (علیه السلام) فرموده‌اند: «قَالَ كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِالْحَرَمِ فَرَأَى أَوْذَى الْخَطَّاطِیْفِ فَقَالَ يَا بُنِّی لِمَا تَقْتُلُهُنَّ وَلَا تُؤْذِهِنَّ فَإِنَّهُنَّ لَا يُؤْذِیْنَ شَيْئاً» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۶۲/۲، ح ۲۳۷۱، باب تحریم صید و حکم؛



فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۲/۱۲، ح ۱۱۶۴۲، باب حکم صید الحرم وما یقتل فیہ وما یخرج منه؛ علوی عاملی، ۱۳۹۹: ۷۲۱/۳، باب انه یتحب اتمام الصلاة فی حرم الکوفة والحائر علی ساکنهما السلم والصلاة؛ راوی می گوید به همراه امام سجاد(علیه السلام) در حرم بودم، ایشان مرا دید که پرستوها را اذیت می کنم. حضرت(علیه السلام) به من فرمودند: آن ها را نکش و آزار نده زیرا آن ها آزاری به چیزی نمی رسانند.

و در روایت دیگر از امام صادق(علیه السلام) درباره پرستو سؤال شد؛ حضرت(علیه السلام) فرمودند: «آزاری به آن نرسانید زیرا آن پرند به چیزی آزار نمی رساند و پرستو پرنده ای است که ما اهل بیت(علیهم السلام) را دوست دارد»(قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۶۰۹/۲، ح ۳، فصل فی أعلام الإمام أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۹/۶۱، ح ۵۰، باب ۱۰ النحل والنمل وسائر ما نهی عن قتله من الحيوانات وما یحل قتله منها من الحیات والعقارب والغربان وغيرها والنهی عن حرق الحيوانات وتعذیبها). پس می توان گفت که بی آزار بودن پرستو یکی از صفات پسندیده و بسیار با اهمیت برای این حیوان است.

### خفاش

خفاش که معادل عربی آن «خَفَّاش» است(زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۸، باب فی البغاث وسایر طیور). یکی از صفات نیکوی خفاش روز گریز بودن این حیوان است. از این رو حضرت علی(علیه السلام) در خطبه ۱۵۵ نهج البلاغه درباره روز گریزی خفاش می فرماید:

«...پس شب پره در روز پلکها را بر سیاهی دیده ها اندازد و شب را چراغی سازد که در جستن روزی خود از آن راه یابد و سیاهی شب دیده اش را نبیند و به خاطر تاریکی انبوه از رفتن در شب رخ برنتابد. پس چون خورشید پرده برفکند و بتافت و سپیدی روز پدید گشت و لانه تنگ سوسمارها از روشنی آن نصیبی یافت، پلکها را بر هم نهد و بر آنچه در تاریکی شب به دست آورده بسنده کند. پس پاک و منزّه است، خدایی که شب را روز او کرده است و هنگام فراهم کردن معیشت و روز را وقت آسایش و گاه استراحت و برای آن از گوشت وی بالهایی ساخته است تا هنگام نیاز به پرواز، بدان بالا رود...»(شریف الرضی، ۱۳۷۸: ۱۵۴، خطبه ۱۵۵).

پس می توان گفت که پرهیز از روز و روز گرا نبودن، همان حس گرا نبودن است. باید فضیلت حس گرا نبودن را از خفاش فراگرفت؛ یعنی انسان نگوید: «تا چیزی را ندیدم باور نمی کنم!» زیرا بسیاری از معارف الهی «غیب» است و باید با عقل، آن ها را فهمید و با دل، آن ها را یافت و با چشم نمی توان دید(جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

## کلاغ

کلاغ که معادل عربی آن «غراب» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۹۱/۲). این حیوان دارای سه خصلت و صفت اخلاقی نیکو است. از این رو در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به این سه صفت اشاره کرده و می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ خِصَالًا ثَلَاثًا اسْتِتَارَهُ بِالسَّفَادِ وَبُكُورَهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَخَذَرَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۹۹/۱، ح ۵۱، تعلموا من الغراب ثلاث خصال؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۵۷/۱، ح ۱۰، ۲۶ باب ما جاء عن الرضا عليه السلام من الأخبار النادرة في فنون شتى؛ سه چیز را از کلاغ بیاموزید: پنهان داشتن آمیزش، سحرخیزی در طلب روزی و احتیاط ورزی او)». پس می‌توان گفت که پنهان داشتن آمیزش در کلاغ نشان از حیا و غیرت این حیوان می‌دهد و احتیاط ورزی نیز نشانه‌ای از دقت نظر این حیوان است.

## سگ

از جمله حیواناتی که هم به صفت اخلاقی خوب و هم بد او اشاره شده سگ است؛ که معادل عربی آن «کلب» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۱/۴)؛ اما صفات اخلاقی خوبی که برای سگ در نظر گرفته‌اند در روایتی مشهور حضرت علی (علیه السلام) است که آن حضرت (علیه السلام) ده خصلت را برای سگ برشمرده و می‌فرماید: «للكلب عشر خصال: أولها: ليس له مقدار عند الخلق، الثانية: انه فقير ليس له مال، الثالثة: الأرض كلها له بساط، الرابعة: أكثر أوقاته يكون جائعا وأقله يكون شبعانا، الخامسة: أن ضربه صاحبه مائة جلدة لا يترك بابه، السادسة: يحفظ صاحبه ويأخذ العدو ويترك الصديق، السابعة: يحفظ باب صاحبه في الليل والنهار ولا ينام، الثامنة: أكثر عمله السكوت، التاسعة: يكون راضيا بما يدفعه صاحبه إليه، العاشرة: إذا مات لم يترك من الميراث شيئا» (الزرندي الحنفي، ۱۹۵۸: ۱۵۶)؛ برای سگ ده خصلت است: اول آن: نیست برای سگ قدری در میان مردم نیست؛ دوم: همانا برای او مانند فقیر مالی نیست؛ سوم: همه زمین بساط اوست؛ چهارم آنکه اغلب اوقات گرسنه است و کم‌تر غذا انباشته است؛ پنجم: آنکه اگر صد تازیانه از صاحب خود بخورد در خانه (منظور نگهبانی خانه است) او را رها نمی‌کند؛ ششم: از صاحبش محافظت می‌کند به اینکه دشمنش را می‌گیرد و دوستش را رها می‌کند؛ هفتم: در (منظور خود خانه است) صاحبش را در شب و روز محافظت می‌کند در حالی که خودش نمی‌خوابد؛ هشتم: بیش‌تر اوقاتش خاموش است؛ نهم: به آنچه صاحبش به او می‌دهد راضی می‌شود؛ دهم: وقتی بمیرد میراثی به جای نگذارد».

در اینجا ممکن است اشکالی وارد شود مبنی بر اینکه این روایت که در آن به ده خصلت‌های سگ اشاره شده با روایاتی که در آن‌ها به خصلت‌های بد سگ اشاره شده در تناقض است. در پاسخ باید گفت، روایاتی دال بر خصلت‌های زشت سگ وجود دارد مانند این حدیث قدسی که در آن /امام باقر (علیه السلام) از جبرئیل این حدیث نقل کرده و می‌فرماید: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَنَا نَدْحُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ إِنْسَانٍ وَلَنَا بَيْتًا فِيهِ وَلَنَا بَيْتًا فِيهِ

کَلْبُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۳، ح ۲۶، بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكَعْبَةِ وَفَوْقَهَا وَفِي الْبَيْعِ وَالْكَنَائِسِ وَالْمَوَاضِعِ الَّتِي تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهَا؛ همان: ۵۲۸/۶، ح ۱۲، بَابُ تَزْوِيقِ الْبَيْوتِ)؛ امام باقر (علیه السلام) از جبرئیل (علیه السلام) نقل می‌کند که گفت: ای پیامبر خدا! ما به اتاقی که در آن تصویر انسانی باشد، یا اتاقی که در آن ادرار شود، یا اتاقی که در آن سگ باشد، وارد نمی‌شویم».

به واقع سگ خصلت‌های زشت بسیاری دارد و کسی هم منکر آن نیست اما باید گفت آن روایت از حضرت علی (علیه السلام) که در آن ده خصلت خوب را برای سگ برشمرده می‌شود به معنای نفی خصلت‌های زشت سگ نیست؛ بلکه نوعی کنایه است که در آن قصد اصلاح انسان‌ها را دارد و یک نکته تربیتی بس بزرگ در آن نهفته است که حضرت (علیه السلام) با این سخن می‌خواستند انسان‌ها را تهییج و تحریک کنند که مگر شما از سگ کم‌تر هستید این حیوان این خصلت‌های خوب را دارا است آیا شما نمی‌توانید این خصلت‌ها را با آنکه اشرف مخلوقات هستید در خود پرورش دهید؛ زیرا وقتی تمام قرآن مطابق ضرب المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود» نازل شده است (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱۱۵/۴، ح ۱۷۹، باب الهمزه). پس به طریق اولی روایت نیز اینگونه هستند. به همین جهت می‌توان گفت که حضرت علی (علیه السلام) در این روایت ده خصلت را برشمرده است تا کنایه برای انسان‌ها باشد و گرنه این روایت در مقام نفی خصلت‌های زشت سگ نیست. همچنین در قرآن کریم در آیه ۱۷۶ سوره اعراف به صفت اخلاقی از سگ اشاره شده است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَا بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ يَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾

«و اگر می‌خواستیم [درجات و مقاماتش را] به وسیله آن آیات بالا می‌بردیم، ولی او به امور ناچیز مادی و لذت‌های زودگذر دنیایی تمایل پیدا کرد و از هوای نفسش پیروی نمود؛ پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم بری، زبان از کام بیرون می‌آورد و اگر به حال خودش واگذاری [بازهم] زبان از کام بیرون می‌آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ پس این داستان را [برای مردم] حکایت کن، شاید [نسبت به امور خویش] بیندیشند»

در این آیه به یکی از صفات زشت اخلاقی سگ که خودسری و پندناپذیری است اشاره شده است. از همین روی شیخ طبرسی ذیل این آیه می‌نویسد: «دنیاپرستان مثل سگ هستند که اگر طردش کنی یا نکنی، در همه حال زبان خود را بیرون می‌آورد. یعنی: هرچه او را موعظه کنی یا موعظه نکنی، گمراه است. همه حیوانات در حال خستگی و ناتوانی زبانشان بیرون می‌آورند ولی سگ در همه حال» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۹/۴).

این صفت خودسری عامل هلاکت بسیاری در تاریخ شده است کسانی همچون قارون در تاریخ به خاطر خودسری و پندناپذیری به هلاکت رسیدند.

در ادامه شیخ طبرسی به صفت دیگر سگ که همان آزاردهنده بودن سگ اشاره کرده و می‌نویسد: «برخی گویند: تشبیه کردن [دنیایپرستان] به سگ، از این لحاظ است که سگ وقتی که زبان خود را بیرون آورد، قصد اذیت دارد. خواه به او حمله کنی یا حمله نکنی. به کسی که با زبانش مردم را آزار می‌کند، می‌گویند: زبانش را مثل سگ از دهانش درآورده است. منظور از «لهث» در اینجا پارس کردن سگ است» (همان).

### خوک

برخی حیوانات صفاتی دارند که انسان پس از خوردن گوشت آن به همان صفات دچار می‌شود و به نوعی می‌توان گفت این صفات منتقل می‌شود و این انتقال در اثر خوردن گوشت آن حیوان است و یکی از این حیوانات، خوک است و معادل عربی آن «خنزیر» می‌باشد (زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۵، باب فی اصناف الخیول)؛ خوک بیماری‌های خطرناکی را منتقل می‌کند (فیومی، ۱۴۲۶: ۴۴). خداوند متعال در قرآن بدین نکته اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿أَلَمْ نَحْرَمْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْخِزْيِرَ وَمَا أَمِلَ بِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْرَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/۱۷۳)

«جز این نیست که خدا [برای مصون ماندن شما از زبان‌های جسمی و روحی] مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده. پس کسی که [برای نجات جاننش از خطر] به خوردن آن‌ها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند، گنهی بر او نیست؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است»

خوک صفات اخلاقی بد بسیاری دارد که انسان در اثر خوردن گوشتش این صفات خلاق بد به او منتقل می‌شود. درباره فلسفه حرمت گوشت خوک و تأثیر خوردن گوشت خوک بر خصوصیات اخلاقی انسان ذیل آیه مذکور آمده است: «خوک حیوانی است بسیار کثیف، بی‌غیرت و لابلالی. نوعاً از کثافات و گاهی از فضولات خود تغذیه می‌کند، انگل «تریشین» که به صورت نوارهای سفید باریک در ماهیچه‌های آن موجود است و همچنین «کرم کدو» که در گوشت این حیوان پلید هست، سبب هر نوع بیماری در بدن می‌گردد. به فرض اگر با وسایل علمی امروز بتوان این انگل‌ها را از بین برد صفات این حیوان مانند بی‌غیرتی و بی‌عفتی و بی‌اعتنایی به مسائل که به وسیله گوشت آن به انسان منتقل می‌شود چاره‌پذیر نیست. لفظ «لحم» دلالت بر آن دارد که گوشت خوک چنانچه خود نمیرد و سرش بریده شود حرام است» (قرشی، ۱۳۷۷: ۳۱۶/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۵۸۷). شاید بتوان گفت که خوردن گوشت خوک یکی از دلایل از بین رفتن غیرت جنسی در بین اروپایی‌ها است و عامل اصلی ظهور بسیاری از حالات از جمله هم‌جنس‌گرایی، جابه‌جایی زوجات بین یکدیگر و ازدواج دسته‌جمعی [همین خوردن گوشت خوک] است (احمد، ۱۴۲۴: ۶۵۱). البته خوردن گوشت خوک

تأثیرات بدی بر جسم انسان می‌گذارد زیرا گوشت این حیوان دارای انگل «کلونورکس سینتسز» است که در چین و ژاپن و کره منتشر شده است. در گوشت خوک نیز وجود دارد. گوشت خوک میزبان اصلی این انگل است و به خصوص کرم‌های اولیه است. کرم گوشت خوک، کرم «تیا سولیوم» است که در طی یک چرخه به انسان منتقل می‌شود (فیومی، ۱۴۲۶: ۴۶). این کرم وقتی وارد بدن انسان می‌شود عضلات آن بخش را درگیر می‌کند و علائم شدید و کشنده‌ای را ایجاد می‌کند. از جمله عامل ضربه‌های مغزی و نخاعی و یا قلبی می‌شود. از همین رو در کشورهای اسلامی ممنوع شده است (همان).

امام باقر (علیه‌السلام) در روایتی علت تحریم گوشت خوک چنین بیان فرمودند:

«خداوند تبارک و تعالی این‌ها را بر بندگان خود حرام و جز این‌ها را بر ایشان حلال کرد، نه به این علت که خودش به آنچه برای آنان حلال کرده میل و رغبت دارد و به آنچه بر ایشان حرام فرموده بی میل و رغبت است بلکه خداوند متعال مردمان را آفریده و می‌داند که چه چیزهایی برای بدن آنان مفید است و به سلامتی آن‌ها کمک می‌کند، پس آن چیزها را برای ایشان حلال و مباح فرمود و می‌داند که چه چیزهایی برایشان زیان‌آور است، پس آنان را از آن چیزها نهی کرد و برایشان حرام فرمود؛ اما همین چیزهای حرام را وقتی انسان به آن‌ها ناچار شود و زندگی و سلامت در گرو استفاده از آن‌ها باشد، بر او حلال کرد و دستور داد که به اندازه نیاز و نه بیش‌تر، از آن‌ها استفاده کند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۸۳/۲، باب ۲۳۷ العلة التي من أجلها حرم الله تعالى الخمر والميتة والدم ولحم الخنزير والقرود والدب والفيل والطحال).

از این روایت چنین استنباط می‌شود که خوردن گوشت خوک حرام است زیرا از لحاظ علمی در گوشت این حیوان نوعی کرم است که سبب می‌شود فرد مانند خوک بی‌بندوباری شدید جنسی دچار می‌شود و حیوانی بسیار کثیف، بی‌غیرت و لاپبالی. نوعاً از کثافات و گاهی از فضولات خود تغذیه می‌کند. از این رو، یکی از دلایل تحریم گوشت خوک ضررهای گوشت این حیوان بر بدن انسان است.

## الاغ

حمار که همان الاغ است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۳، باب فی البغال والحمر والفراء وغيرها)؛ و انسان جاهل و نادان هم با همین لفظ، تعبیر شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۴۲/۱). لفظ «حمار» در قرآن ۴ بار تکرار شده است و تنها در آیه ۵ سوره جمعه به صفت اخلاقی این حیوان اشاره شده است. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

«وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را که هیچ آگاهی به محتویات آن‌ها

ندارد] حمل می‌کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند؛ و

خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند»

در این آیه به یکی از صفات اخلاقی الاغ اشاره شد که آن، حماقت و نادانی این حیوان است. به خاطر آنکه باری از کتاب را به دوش می‌کشد اما بهره‌ای از آن نمی‌برد. در این آیه این صفت الاغ که به واقع حماقت و نادانی محض است به عالمان یهودی که تورات را دارند و حمل می‌کنند بی آنکه از آن بهره ببرند تشبیه می‌کند. پس می‌توان از این آیه نتیجه گرفت که یکی از صفات اخلاقی الاغ حماقت و نادانی اوست زیرا این صفت را به علمای یهود در اسم عالم‌اند اما تنها سنگینی علم به دوش آن‌ها است نسبت داده شده است.

در روایتی از رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده که می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ جَعْظَرِيٍّ جَوَّاطٍ سَخَّابٍ بِالْأَسْوَاقِ، جَيْفَةٍ بِاللَّيْلِ حِمَارٍ بِالنَّهَارِ، عَالِمٍ بِأَمْرِ الدُّنْيَا جَاهِلٍ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ» (شعرانی، ۱۹۷۳: ۶۵۳، النهی عن المماراة بالعلم قط)؛ همانا خداوند، انسان‌های تندخوی گردن‌کلفت بی‌خیر را که در بازارها هیاهو به راه می‌اندازند و در شب، [همچون] مُردار و در روز، [همچون] الاغ و در کار دنیا دانا و در کار آخرت، نادان‌اند، دشمن می‌دارد».

در یکی از تفاسیر ذیل آیه ۵ سوره جمعه درباره عالمان یهود چنین آمده: «این قوم تنها به نام تورات یا تلاوت آن قناعت کردند، بی آنکه اندیشه در محتوای آن داشته باشند و عمل کنند همانند همین حیوانی هستند که در حماقت و نادانی ضرب‌المثل و مشهور خاص و عام است. این گویاترین مثالی است که برای عالم بی‌عمل می‌توان بیان کرد که سنگینی مسئولیت علم را بر دوش دارد بی آنکه از برکات آن بهره گیرد و افرادی که با الفاظ قرآن سر و کار دارند ولی از محتوا و برنامه عملی آن بی‌خبرند(و چه بسیارند این افراد در بین صفوف مسلمین) مشمول همین آیه‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۴/۲۴-۱۱۵).

## طاووس

طاووس که معادل عربی آن «الطاووس» است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۹، باب فی الطیور من الجوارح والبیضان والنسور)؛ این حیوان بسیار متکبر و مغرور است و این صفت اخلاقی طاووس را می‌توان به انسان‌هایی تشبیه کرد که ظواهر دنیا آن‌ها را فریفته است و مغرور شده‌اند، طاووس نیز چنین است. این حیوان به زیبایی و دم خود می‌نازد و به این چیزها مغرور می‌شود.

از این رو حضرت علی(علیه‌السلام) در خطبه ۱۶۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «چون خودبینی نازنده به راه می‌رود و به دم و پرهای خویش می‌نگرد و از زیبایی پوششی که بر تن دارد و طوق‌ها که بر سر و گردن، قهقهه سر می‌دهد و چون نگاهش به پاهای خود می‌افتد، بانگی برآرد که گویی گریبان است و آوازی کند چنانکه پنداری فریاد خواهان است» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۸: ۱۷۰، خطبه ۱۶۵).

## گرگ

گرگ که معادل عربی آن «الذئب، اصلش با همزه است ذئب» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۷/۲). صفت بد فرصت‌طلبی را در وجود خود دارد؛ زیرا وقتی به گله‌ای می‌خواهد حمله کند سعی می‌کند به آن که زخمی است حمله کند و این یک خصلت بد اخلاقی است. از این رو حضرت علی (علیه السلام) پیرامون این صفت گرگ می‌فرماید: «چون مجال بیش‌تر در خیانت به امت به دست افتاد، شتابان حمله نمودی و تند برجستی و آنچه توانستی از مالی که برای بیوه‌زنان و یتیمان نهاده بودند برودی. چنانکه گرگ تیزتک برآید و بز زخم‌خورده و از کار افتاده را برآید» (شریف الرضی، ۱۳۷۸: ۳۱۴، نامه ۴۱).

## روباه

روباه که معادل عربی آن «تُعَلَب» است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۵، باب فی السباع والضباع وأعضائها). این حیوان به صفت مکار بودن مشهور است. او آنقدر مکار است که در این باره حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند: «و قال عیسی لأحبار بنی اسرائیل: لا تَكُونُوا لِلنَّاسِ كَالذَّئِبِ السَّارِقِ، وَكَالتُعَلَبِ الْخَدْوَعِ، وَكَالْحِدَاةِ الْخَاطِفِ (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷/۲)؛ حضرت عیسی (علیه السلام) خطاب به عالمان بنی اسرائیل فرمودند: با مردم چونان گرگ دزد و روباه مکار و باز شکاری نباشید». در این روایت علاوه بر اینکه بر مکار بودن روباه اشاره شده است، بلکه به صفت بد دیگر گرگ که همان دزدی است بیان شده است. دلیل دزد بودن گرگ آن است که این حیوان وقتی به گله می‌زند حیوان را بدون اجازه چوپان گله می‌برد این دزدی است.

## نتیجه بحث

مقاله حاضر پس بررسی‌های انجام‌شده به نتایج زیر دست یافته است:

۱. برخی حیوانات هم صفات خوب و هم صفات بد دارند. برخی دیگر از حیوانات تنها صفات خوب یا تنها صفات بد دارند.
۲. خروس حیوانی است آگاه به اوقات اذان است و در میان حیوانات نماد شجاعت و غیرت است.
۳. اما سگ از جمله حیواناتی است که هم صفت خوب و هم صفت بد دارد اما انگیزه آنکه حضرت علی (علیه السلام) ده صفت اخلاقی برای سگ برشمرده‌اند برای نفی صفات بد سگ نیست بلکه آن حضرت (علیه السلام) به جهت بیان نکته‌ای تربیتی که سگ با آنکه صفات اخلاقی بد دارد این صفات خوب را نیز دارا است آیا شما انسان‌ها که برترین آفریدگان هستید نمی‌توانید آن را داشته باشید.
۴. فلسفه تحریم گوشت خوک تنها برای زیان‌های بهداشتی گوشت این حیوان نیست بلکه از لحاظ معنوی نیز تأثیرات بدی بسیار دارد زیرا خوک به لابلالی‌گری و بی‌غیرتی مشهور است و یک اثر بد معنوی خوردن گوشت این حیوان انتقال این صفات بد اخلاقی به انسان است.

۵. شتر یکی از حیواناتی است که نماد فرمان‌بری و قناعت است و خوردن شیر او نیز بسیار مفید است زیرا زن باردار با خوردن شیر این حیوان هوش کودک افزایش می‌یابد؛ و نیز خوردن شیر این حیوان بیماری دَرَب را از بین می‌برد. مورچه نیز به فرمانبری و تلاش و ذکاوت نیز مشهور است.
۶. کبوتر از جمله حیواناتی است که به صفت وفاداری که از صفات بسیار خوب است. این حیوان در برابر کسی که به او اجازه ساخت لانه‌اش را در خانه خود بنا کند وفادار بوده و زمانی صاحبخانه بی‌خبر است او را از وجود حیوانات موذی آگاه می‌کند.
۷. اسب حیوانی است که به نجابت شهره است. او در روز عاشورا در کربلا صفت وفاداری‌اش را ثابت کرد. البته در روایات بسیاری آمده که خیر فراوانی در پیشانی این حیوان تا روز قیامت نهفته است.
۸. برای الاغ و طاووس دو صفت بد اخلاقی حماقت و نادانی و تکبر و غرور را برای این حیوان برشمرده‌اند، دلیلش آن است که عالمان یهود را به صفت نادانی و حماقت الاغ تشبیه کرده‌اند و طاووس را به خاطر غرور و تکبر زیبایی‌اش این صفت را نسبت داده‌اند.
۹. گرگ هم خصلت بد فرصت‌طلبی و هم دزدی را دارا است؛ و روباه به مکار بودن وصف شده است.
۱۰. پرستو نه به انسان بلکه به هیچ چیز آزاری نمی‌رساند و این صفت بسیار با ارزشی است زیرا آزار نرساندن خود نعمتی بس بزرگ است.
۱۱. دلیل اصلی روز گریزی خفاش همان حس گرا نبودن است. باید فضیلت حس گرا نبودن را از خفاش فراگرفت؛ یعنی انسان نگوید: «تا چیزی را ندیدم باور نمی‌کنم!» زیرا بسیاری از معارف الهی «غیب» است و باید با عقل، آن‌ها را فهمید و با دل، آن‌ها را یافت و با چشم نمی‌توان دید.
۱۲. سه چیز پنهان داشتن آمیزش، سحرخیزی در طلب روزی و احتیاط ورزی را باید از کلاغ آموخت؛ زیرا پنهان داشتن آمیزش نشان از حیا و غیرت این حیوان می‌دهد و احتیاط ورزی نیز نشان از دقت نظر این حیوان می‌دهد.



## کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، محقق / مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.

ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین. ۱۴۰۵ق، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.

ابن حنبل، احمد بن محمد. ۱۴۱۶ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محققان: عامر غضبان، ابراهیم زبیب، محمد برکات، محمد نعیم عرقسوسی، عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، شعیب ارنووط، کامل خراط و دیگران...، بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۹ق، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم: علامه.

ابن عمر، مفضل. بی تا، توحید المفضل، محقق / مصحح: کاظم مظفر، چاپ سوم، قم: داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۲ش، الخصال، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، محقق / مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۸۵ش، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

احمد، یوسف الحاج. ۱۴۲۴ق، موسوعة الإجاز العلمی فی القرآن الکریم والسنة المطهرة، چاپ دوم، دمشق: مكتبة دار ابن حجر.

بستانی، فؤاد افرام. ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: اسلامی.

تستری، سهل بن عبدالله. ۱۴۲۳ق، تفسیر التستری، بیروت: دار الکتب العلمیة.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷ش، مبادئ اخلاق در قرآن، محقق: حسین شفیعی، چاپ ششم، قم: مؤسسه اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

حلبی، علی بن ابراهیم. ۱۴۰۰ق، السیرة الحلبیة، بیروت: دار المعرفة.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۷۴ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن چاپ دوم، تهران: مرتضوی.

- الزرندي الحنفی، محمد بن يوسف بن الحسن بن محمد. ۱۹۵۸م، **نظم درر السمطين في فضائل المصطفى والمرضى والبتول والسبطين**، نجف اشرف: منشورات مخزن الاميني - مطبعة القضاء.
- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۳۸۶ش، **مقدمة الأدب**، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران.
- زمخشری، محمود بن عمر. ۱۴۱۲ق، **ربيع الأبرار ونصوص الأخبار**، تحقيق: عبد الأمير منها، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- سيوطی، عبدالرحمن بن ابی بكر. ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، قم: كتابخانه عمومی حضرت آيت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- شريف الرضى، محمد بن حسين. ۱۳۷۸ش، **نهج البلاغه**، مترجم: جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعرانی، عبدالوهاب. ۱۹۷۳م، **العهد المحمدية**، چاپ سوم، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده بمصر.
- طباطبایي، سيد محمدحسين. ۱۴۱۷ق، **الميزان في تفسير القرآن**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسي، حسن بن فضل. ۱۳۷۲ش، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تحقيق: محمدجواد بلاغي، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسي، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق، **مكارم الاخلاق**، چاپ چهارم، قم: الشريف الرضي.
- طيب، عبدالحسين. ۱۳۶۹ش، **اطيب البيان في تفسير القرآن**، چاپ دوم، تهران: اسلام.
- علوی عاملی، احمد بن زين العابدين. ۱۳۹۹ق، **مناهج الأخيار في شرح الإستبصار**، قم: مؤسسه اسماعيليان.
- فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى. ۱۴۰۶ق، **كتاب الوافي**، اصفهان: كتابخانه امام امير المؤمنين علي (ع).
- فيومي، سعيد صلاح. ۱۴۲۶ق، **الإعجاز الطبي في القرآن الكريم (فيومي)**، قاهره: مكتبة القدسي.
- قرشي، سيد علي اكبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
- قرشي، سيد علي اكبر. ۱۳۷۷ش، **تفسير احسن الحديث**، چاپ سوم، تهران: بنياد بعثت.
- قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله. ۱۴۰۹ق، **الخرائج والجرائح**، محقق / مصحح: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
- كليني، محمد بن يعقوب. ۱۴۰۷ق، **الكافي (ط-الإسلامية)**، محقق / مصحح: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط-بيروت)**، محقق / مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

مستغفری، جعفر بن محمد. ۱۳۸۵ق، **طبّ النبیّ صلی الله علیه وآله وسلّم**، محقق/ مصحح: علی اکبر الهی خراسانی، نجف اشرف: مکتبه الحیدریه.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

نسائی، احمد بن علی. ۱۴۱۱ق، **السنن الکبری**، محققان: عبد الغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، گردآورنده: احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

النمازی الشاهرودی، علی. ۱۴۱۸ق، **مستدرک سفینه البحار**، تحقیق و تصحیح: الشیخ حسن بن علی النمازی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، محقق/ مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

## Bibliography

- Holy Quran, translation by Ansariyan, Hussein. 2004, Qom: Oswah Publications.
- Ibn al-hidid, abdulhamid bin hebet allah 1404 AH, Description of Nahj al-Baltaghahaban al-Haydid, Researcher / Moderator: Mohammad Abolfazl Ebrahim, Qom: The Book of Ayatollah al-Marashi al-Nahfi.
- Ibn Obi President, Mohammed bin Zayn al-Din. 1405 AH, Alawi al-Li'ali al-Assiza'at al-'Ahadith al-Din'i, Researcher / Moderator: Mojtaba al-Iraqi, Qom: Dar Sayyid al-Shohada lnshir.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali. 1413 AH, I Layehadir al-Fakhiyah, Researcher / Editor: Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society, Second Edition.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali. 1362 Sh., Personality, Researcher / Moderator: Ali Akbar Ghaffari, Qom: Society of Teachers.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali. 1378 AH, Eyoun Akhbar Reza (PBUH), Researcher / Excerpted: Mahdi Lajevardi, Tehran: World News.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali. 2006 Causes Al-Sharia, Qom: Refereed Bookstore.
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Muhammad. 1416 AH, Masand al-Imam Ahmad ibn Hanbal, Researchers: Amir Ghazban, Ebrahim Zibagh, Mohammad Barakat, Mohammad Naeem Abuqosoi, Abdullah bin Abdul Muhsin Torki, Shoaib Arnouat, Kharat and others ..., Beirut: Institute Al-Rasulte.
- Ibn Shahr Ashshob Mazandaran, Mohammad bin Ali. 1379 AH, Manaqib Al'Abat Talib against Islam (Lahab Shahr Ashok), Qom: Allameh.

- Ibn Umar, Mufzal. Beata, Tohid al-Mufzal, Researcher / Moderator: Kazem Mozaffar, Qom: Judgment, Third Edition.
- Ahmed, Yousef al-Hajj. 1424 AH, Mosul al-Mu'jaz al-Alami al-Qur'an al-Karim and Al-Sunnah al-Mutah, Damascus: the school of Ibn Hajar, Second Edition.
- Bostani, Fuad Efram. 1375 S, Farhang-e-Abuji, Tehran: Islamic, Second Edition.
- Test, Sahl bin Abdullah. 1423 AH, Anthracite Commentary, Beirut: Dar Electrochemical.
- Javadi Amoli, Abdullah. 2008 AD, The Origins of Ethics in the Qur'an, Researcher: Hossein Shafiee, Qom: Asra Institute, Sixth Edition.
- Hagh Fatili, Mohammad ibn Hassan. 1409 AH, Tools for the study of issues of wisdom, Research: The institution of al-bayat (PBUH), Qom: The institution of al-bayat (PBUH).
- Halabi, Ali ibn Ibrahim 1400 AH, Al-Sairat al-Hilbayah, Beirut: Dar al-Ma'rfah.
- Ragheb Esfahani, Hussein ibn Muhammad. 1374, translation and research of the Qur'anic narrations, Tehran: Mortazavi, Second Edition.
- Al-Zarandi al-Hanafi, Mohammed bin Yusuf bin al-Hasan ibn Muhammad. 1958, The Order of Al-Atiathiyah of Fatima Al-Mustafa and Al-Murtaza, and Al-Betul and Al-Sabetin, Najaf of Ashraf: The Prescriptions of the Resurrection of Imams - The Immaculate Conception.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar. 1412 AH, Rabi 'al-'Abrar and Nusayz al-Akhbar, Research: Abdul Al-A'mir Munah, Beirut: Institute for Literature on the Press.
- Tehran, Islamic Studies Institute of Tehran University.
- Siouti, Abdurrahman ibn Abu Bakr. 1404 AH, Al-Din al-Mansoor al-Tafsir al-Ma'thor, Qom: General Ayatollah Ali-azimi's Mareshi Najafi Public Library.
- Sharif al-Razi, Mohammed bin Hussein. 1378, Nahjul Balaqeh, Translator: Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and Cultural Company, Fourteenth Edition.
- Poetry, Abdul Wahab. 1973, Al-Otoud al-Mohammad, Egypt: The third issue of the book is the word of the Book of the Prophet and the Holy Qur'an.
- Tabatabaee, Seyyed Mohammad Hossein. 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: The Islamic Publishers Office of the Qom Seminary Teachers Society, Fifth Edition.
- Tabari, Hassan ibn Fadl. 1412 AH, Makarim al-Khalah, Qom: Al-Sharif al-Razi, fourth edition.

Tabari, Hassan ibn Fadl. 1372 AH, General Assembly of the Faculty of Fine Arts, Research: Mohammad Javad Bolaghi, Tehran: Naser Khosrow Publication, Third Edition.

Tayeb, Abdolhossein. 1369 AH, Otib al-Bayan al-Tafsir al-Quran, Tehran: Islam, Second Edition.

Alawi Factor, Ahmad Bin Zeinalabedin. 1399 AH, the manaḥq al-Aqqyar for the explanation of the assembly, Qom: The Ismaili Institution.

Feyz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza. 1406 AH, Book of Al-Wafī, Isfahan: Library of Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS).

Feymi, Saeed Salah. 1426 AH, Al-Tayyip al-Quran al-Karim (PhoMi), Cairo: Maqaat Al-Qudsi.

Gharashi, Seyed Ali Akbar. 1371, Qaman of the Qur'an, Tehran: Dar al-Kabul al-Islam, 6th edition.

Gharashi, Seyed Ali Akbar. 1377 Sh., Commentary on Ahsan al-Hadith, Tehran: Beast Foundation, third edition.

Ghotbuddin Ravandi, Sa'id ibn Hebat Allah. 1409 AH, Al-Kharraj and Al-Juraee, researcher / moderator: The Al-Imam Mahdi Foundation of Islam, Qom: The Imam Mahdi Ajul-Allah Almighty Farajeh al-Sharif.

Kelly, Mohammed bin Ya'qub. 1407 AH, al-ki'afi (ta-al-Islamiyya), researcher / editors: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al-e'cl-e-Islam, fourth edition.

Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1403 AH, Bahá'u'lláh al-'Anwar al-Juma'a Lâdrîr al-'Abnâr al-âmât al-'Arthâr (Tây-Beyrout), Researcher / Moderator: A group of scholars, Beirut: Dar al-A'y'ra'a, second edition.

Nafaghfari, Ja'far ibn Muhammad. 1385 AH, Tahl-e-Nabi Saliallah Ali and Hell and Salam, Researcher / Moderator: Ali Akbar Elahi Khorasani, Najaf Ashraf: Mechtyat al-Hidariyah.

Makarem Shirazi, Nasser 1374, Sample Interpretation, Tehran: Darekkab al-Issawi.

Nasayi, Ahmad bin Ali. Researchers: Abdul Ghafar Soleiman Bondari and Seyyed Kasrooy Hassan, collector: Ahmad Shamsuddin, Beirut: Dar al-Kabul, Lebanon, Mohammad Ali Beyzon.

Al-Namazi al-Shahroudi, Ali. 1418 AH, Mustardak Sahinat al-Bohar, Research and Correction: Al-Sheikh Hasan ibn Ali Al-Namazi, Qom: The institute of Al-Nasr al-Issa al-Ra'a al-Ma'tha'a al-Madrasin al-Mashur.

Noori, Hussein bin Mohammad Taghi. 1408 AH, Mustardak al-Wasael and Musta'nat al-Masa'il, Researcher / Moderator: Al-Al-Bait (Al-i-Islam), Qom: Al-Al-Bait (Al-i-Islam) institution.

## **Animals' Behavior from Quran & Narrations Viewpoint**

Babak Hadian Heidari: MA Student, Islamic Theology, Quran & Hadith Sciences, Mazandaran University

Mohammad Sharifi: Assistant Professor, Quran & Hadith Sciences, Mazandaran University

### **Abstract**

Since human set foot on the universe, he has tried to know and lead animals; but the cognition of animals becomes more accurate when it comes to knowing their moral qualities, because by knowing these qualities, man can control animals in order to use them properly. Animal morality is very influential in human life because animals live in a common environment with humans and in addition to benefiting more and more from animals it leads to a peaceful life with animals. thus and because of the importance of the mentioned issue, the authors of the present article intend to study it by citing Quran and narrations with a descriptive – analytical method. The results of the research indicate that each animal has unique moral characteristics that are very effective in recognizing the animals in a way that neither they are being hurt nor harms they harm.

**Keywords:** animals, characteristics, Quran, narrations.